



«زندگی زیر نور منور»

رونمایی شد

نشست رونمایی کتاب «زندگی زیر نور منور» با حضور محمد خامه یار، نویسنده و رضا شهبازی، راوی و منتقد ادبی و روایتگری جمعی از رزمندگان لشکر علی بن ابی طالب (ع) استان قم برگزار شد.

رضا شهبازی، نویسنده و پیشکسوت دفاع مقدس نیز با اشاره به نقش و جوه مختلف زندگی در کتاب زندگی زیر نور منور گفت: خامه یار یکی از پیشگامان نگارش کتاب وثبت خاطرات رزمندگان دفاع مقدس در استان قم بوده و در این کتاب نیز، وجوه مختلف زندگی مثل غم، شادی، دوری، شهادت، جهاد و فداکاری را به تصویر کشیده است. وی در ادامه افزود: زندگی زیر نور منور را می توان به نوعی زندگی نامه و خاطرات محمد خامه یار دانست؛ با این حال نویسنده با فداکاری زیاد، تنها یک فصل را به خود اختصاص داده و قهرمانان کتاب، رزمندگان دفاع مقدس هستند که فداکاری ها و ایثار آنها با قلم شیوای ایشان ماندگار شده است.

اهمیت انتقال خاطرات دفاع مقدس

به نسل آینده

محمد خامه یار، نویسنده کتاب نیز در این نشست گفت: بعد از پایان جنگ، فکر کردم که حفظ افکار و خاطرات رسالت مهمی است. پس از جنگ، ابتدا روزنامه ها شروع به انتشار خاطرات دفاع مقدس کردند و استقبال خوبی از آن شد و من نیز هربار که به رشادت ها و ایثار همزمانم در دفاع مقدس فکر می کردم، نیاز به ماندگار شدن و انتقال این خاطرات به نسل آینده را بیش از پیش احساس می کردم.

وی در ادامه پیرامون نحوه انتخاب عنوان کتاب گفت: عنوان کتاب در ابتدا زندگی زیر نور منور نبود و علت انتخاب این عنوان به خاطره شبی برمی گردد که به عنوان راننده آمبولانس در جبهه مشغول انتقال مجروحان بودم و لحظه ای با مشاهده منورهایی که جاده را روشن می کرد، به دوست و همزمزمم گفتم که زندگی ما زیر نور منور شده است.

استفاده از کتاب و هنر برای انتقال

گنج های جنگ

مهدی توکلیان، مدیرکل کتابخانه های عمومی استان قم در این نشست گفت: به داشتن میراث گرانبهایی همچون رزمندگان و جانبازان دفاع مقدس در شهر قم که در ایثار، شهادت، فرهنگ، هنر و رسانه سرآمد و سرافراز بوده است افتخار می کنیم.

وی در ادامه افزود: همان طور که مقام معظم رهبری بارها در سخنان خود اشاره کرده اند «جنگ، گنج است» و باید با استفاده از زبان هنر، این گنج بزرگ و گرانسنگ را به نسل های آینده منتقل کنیم که کتاب یکی از مهم ترین ابزارها برای حفظ و انتقال خاطرات و فرهنگ ایثار و شهادت است و امیدواریم با همت و همراهی مسئولان استانی و رزمندگان دفاع مقدس، این میراث را به نسل های آینده منتقل کنیم.



دهه ۶۰ در تاریخ ما است



این داستان وجود ندارد و ای کاش در لذت بچه ها در دیدن سینما داستان تمام می شد.

نمی توانستم کتاب بخرم!

طریقی در ادامه این نشست گفت: من شعر را از سال ۱۳۷۲ آغاز کردم و این شانس را چون زنجانی بودم داشتم که با حسین منزوی آشنا شدم و غزل های عاشقانه و غیرعاشقانه می سرایم. نزدیک به ۱۲ کتاب در این باره دارم.

افزود: نثر در زندگی من حضور مداوم داشت چون من به توصیه حسین منزوی فقط شعر نمی خواندم و از سویی هم در شرایط مالی نبودم که بتوانم فقط کتاب بخرم. بنابراین از کتابخانه سهروردی و کتابخانه امام کتاب امانت می گرفتم و تا ظهر در مدرسه می خواندم و دوباره برمی گرداندم و کتاب دیگری می گرفتم.

طریقی گفت: این خواندن کتاب باعث شد تا در برخی از آثارم درباره شعر بنویسم و هیچ گاه به نوشتن ادبیات داستانی فکر نمی کردم. چند سال پیش مسعود دانی در سفری به من گفت روایت آن سفر را برایم بفرست و بعد آن روایت ها منتشر و خیلی هم دیده شد.

تفاوت شعر و نثر در چیست؟

او با اشاره به تفاوت شعر و نثر بیان کرد: شعر بخش زیادی از عواطف انسانی را در کلماتی محدود روایت می کند به همین دلیل شاعر تلاش می کند سمباده ترین کلمات را برای بیان شعر انتخاب کند. از سوی دیگر در شعر باید سریع به نماد و نشانه پناه ببریم.

طریقی عنوان کرد: در نثر برعکس این است و همه چیز باید با جزئیات بیان شود به همین دلیل سختی هایی داشت. به برکت همان ۳۰ سال سرایش غزل من به شدت آدم دقیقی شده بودم. این برای من هم حسن داشت هم دریغ؛ حسن اش این بود که آدم ها را می دیدم و دریغش این بود که همه آن آدم را نمی توانستم بنویسم. او با اشاره به ویژگی های این کتاب بیان کرد: داستان های ماضی قریب واقعی است البته در «رنجین کمان» هم این شیوه را داشتم و حتی اسم افراد هم پنهان شده بود اما در این کتاب کمتر اهمیت داشت. بسیاری از روایت های کتاب واقعی است.

مولف ماضی قریب گفت: اما نوشتن نثر بسیار سخت است، چون من عادت نداشتم روزی چندین صفحه بنویسم انگار شکنجه می شدم. ماضی قریب ادعای داستانی ندارد و به بهانه ای درباره شیوه زیستن در دهه ۶۰ است و این شیوه زیستن اصلا برای نوجوانان قابل درک نیست.



طریقی:

نثر در زندگی من

حضور مداوم داشت

چون من به توصیه

حسین منزوی فقط

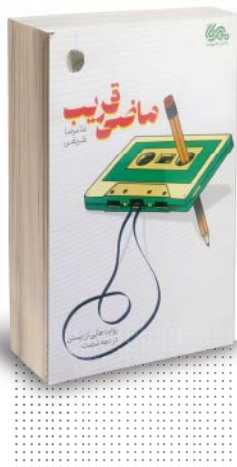
شعر نمی خواندم

و از سویی هم در

شرایط مالی نبودم

که بتوانم فقط

کتاب بخرم



بیست و هشتمین نشست نقد کتاب پایگاه بزرگسال پارک شهر با همکاری تم استوری به نقد کتاب «ماضی قریب؛ روایت هایی از زیستن در دهه شصت» با حضور نویسنده غلامرضا طریقی و منتقد خسرو باخانی اختصاص داشت. این نشست یکشنبه ۲۸ خردادماه، در کتابخانه مرکزی پارک شهر، سالن جلسات برگزار شد.

باخانی در ابتدای این نشست گفت: در کتاب ۱۸ قصه کوتاه بیان شده است. این کتاب گاهی مخاطبش شامل نوجوانان می شود و گاهی بزرگسال و این کتاب را از یکدستی خارج کرده است. از سوی دیگر مجموعه بین داستان، روایت و خاطره سرگردان است البته مرزها به هم نزدیک است اما به هر حال این طور نیست که خاطره و داستان با هم فرقی نداشته باشند.

او با اشاره به داستان اول کتاب بیان کرد: داستان اول درباره پسری به نام نصیر است که اصرار دارد خانه را خالی کند. زاویه دید در این داستان دانای کل نصیر است و آنچه در ذهن و قلب او می گذرد را می بینیم و این زاویه دید بسیار پرکاربرد است اما از یک جایی به بعد نویسنده تغییر زاویه می دهد که موجب افت داستان و برهم زدن تمرکز مخاطب می شود.

این منتقد درباره قصه دوم هم توضیح داد: این داستان مردی را توصیف می کند که کارش توزیع نفت بوده است. در این داستان روایت ساده ای از این فرد ارائه می شود و تعلیقی در داستان بیان نمی شود. البته عدم تعادل هایی هم داریم که قابل گسترش نیستند. باخانی بیان کرد: اگر این کار به دست من می رسید آیا این کتاب را می خواندم؛ بله ایشان نثر پاکیزه و دقیق دارند و صدقتی در کتاب وجود دارد. در نهایت نیز حس حزن و شادی توأمان در آن ایجاد می شود گویی انسان چیز عزیزی را که در گذشته جا مانده دوباره مرور کند. دهه ۶۰ در تاریخ ما استثناست و کسی روی آن کار نکرده است. آن زمان نه تنها موقعیت ها استثنایی بود که آدم ها استثنایی بودند و زندگی زنان و مردان آن دهه افسانه بود. امروز زندگی این افراد برای ما غیرقابل باور نیست و همین افراد جنگ و کشور را اداره کردند. این منتقد ادبی درباره داستان سوم عنوان کرد: راوی تعریف می کند پسرعمه ای به نام امیر دارد که فرد مجرب و نترسی است و آزادی عمل هایی دارد که آنها فاقد این هستند. امیر ساعت و وسایل جذابی دارد که دیگران ندارند. اولین دوچرخه را امیر دارد، بعد یک روز امیر می آید و از سینما می گوید آن هم در زمانی که در بهترین حالت افراد به سختی برنامه های تلویزیون را می دیدند.

او ادامه داد: ای کاش نویسنده کار را در حرکت بچه ها به سوی خانه تمام می کرد اما داستان ادامه می یابد. طراحی داستانی در

